

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

( بخش 53 )

### شورای عالی صلح درمنجلا ب ناکامی

مردم افغانستان، به این نوع اقدامات یکطرفه، بیهوده و تضرع آمیز دولت حامد کرزی نه تنها می خندیدند، بلکه آنرا نشانه ناکامی و شکست آن در برابر گروه طالبان نیز تلقی میکردند. همچنان، ناظران و آگاهان امور افغانستان، هم طرح مذاکره و معامله با گروه تروریستهای طالبی را یک توطئه و سازش با حکومت پاکستان میدانستند و هم گزینش رییس و اعضای " شورای عالی صلح " را عیب بزرگ دیگری می خواندند که کلیه اقدامات و مخارج در این راستا را به ناکامی سوق میداد. مثلاً، گفته میشد که برهان الدین ربانی از یکطرف ادامه دهنده جنگهای خونین کابل پس از سال 1992 میلادی با رقبای تنظیمی خویش بود و از سوی دیگر، مدت پنج سال (1995-2000م) عملاً برضد گروه طالبان بخاطر حفظ قدرت سیاسی خویش جنگیده بود. "ربانی" در ماه جون سال 2011 میلادی طی صحبت های رسمی اش در کابل اظهار نمود که " اخیراً با رهبران شورای کویته،

سراج الدین حقانی و حزب اسلامی گلبدین دریکی از کشور های خارجی  
ملاقاتهایی داشته است "

وی همچنان اظهار داشت که : " به رهبران و سردسته های این گروه گفته است  
"هرگاه به دولت بپیوندند، مورد بازخواست قرار نخواهند گرفت. "

حافظ شیرازچقدر به مورد سرود : " اگر آن تُرک شیرازی بدست آرد دل مارا  
به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را.

این اظهارات ربانی درحالی گفته و شنیده میشد که سخنگویان ریاست امنیت ملی  
(استخبارات) افغانستان به کرات و بدون پرده پوشی میگفتند که کلیه عملیات  
خونین و پُرتلفات تروریستی درشهر کابل و سایر ولایات کشور که جان صد ها تن  
از هموطنان بی دفاع ما را گرفت، توسط همین گروه ها صورت گرفته است.

دربحبوحه همین تحرکات عمدتاً پنهان و معامله گریهای نیرو های خارجی  
دراغانستان، گزارشهای خاصی به بیرون درز نمود که درحقیقت، افشا کننده  
پیشنهاد و طرح امریکایی - انگلیسی در مورد آینده ملت افغانستان بود و آن اینکه  
مقام های امریکایی، سه ولایت کشور (پکتیا، پکتیکا و خوست ) (1) و به قولی، ده  
ایالت را در ازأ پذیرش پایگاه های نظامی امریکا ازسوی طالبان، به آنها پیشکش  
نموده اند تا نظام اداری- سیاسی خود شان را در ولایات متذکره داشته باشند. اینکه  
آیا چنین بذل و بخشایش سخاوتمندانه امریکایی ها برای گروه طالبان واقعیت داشته  
یا نه؟ دشوار است تردید یا تأیید نمود، ولی آنچه را نمیتوان رد نمود، اینست که  
عین طرح، قبلا توسط " رابرت بلک ویل " سابق سفیر امریکا درهندوستان

ومتعاقباً توسط " گالبرایت " معاون پیشینِ نمایندهٔ سرمنشی سازمان ملل در کابل و پسانها از طرف " انستیتوت مطالعاتِ ستراتژیک " لندن نیز با رسانه ها در میان گذاشته شده بود. اگر این طرح عملی شود، در حقیقت، همان تجزیهٔ غیر رسمی افغانستان به شمال و جنوب را افاده نموده و در عین حال، به این وسیله سعی بعمل خواهد آمد تا سرحداتِ شمالغربی پاکستان در نبودِ خط " دیورند " توسط گروه طالبان حفاظت گردد و در درازمدت، به ایالت تازهٔ پشتون نشین (پشتونستان) یا " ایالت پختونخواه " تحت حاکمیت دولت مرکزی پاکستان مبدل گردد. یعنی امتیازی خواهد بود که انگلیسها در کشاکشِ نظامی - سیاسی حاضر، میخواهند برای نوزاد استعماری شان (پاکستان) در منطقه کمایی کرده آنرا رسمیت ببخشند. در عین حال، آرزو دارند از این طریق، معضلهٔ ناشی از خطِ تحمیلی " دیورند " که خود، سازندهٔ آن اند، به فراموشی کامل سپرده شده جانب افغانستان هیچگونه ادعایی در آینده نداشته باشد. چنانکه نشریهٔ " پیام آفتاب " به نقل از یک دیپلماتِ افغان، در ماه سرطان 1392 خورشیدی نوشت که " اسلام آباد پیشنهاد کرده که حکومت افغانستان در جریان مذاکراتِ صلح، چند ولایت را به طالبان بسپارد... خبرگزاری رویترز به نقل از " ارشاد احمدی " معین وزارتِ امور خارجهٔ افغانستان گزارش میدهد که این پیشنهاد به سفیر افغانستان در اسلام آباد شده است ... مشاور امنیتِ ملی پاکستان " سرتاج عزیز " از " عمر داوود زی " سفیر افغانستان در پاکستان خواسته است تا حکومتِ کابل در جریان پروسهٔ صلح، چند ولایت افغانستان را به طالبان واگذار کند . "

---

یک روزنامه ی پاکستانی بنام " اکسپرس تریبیون " نیز در ماه آگست 2012م نوشت که " ... امریکا موقف تند خود را در برابر شبکه حقایق نرم کرده و میخواهد با این گروه گفت و گو را آغاز نماید" در گزارش این روزنامه ی پاکستانی که از طریق سایت انترنتی " امید وطن" نیز انعکاس یافت، همچنان گفته شد که " امریکا بخاطر سهم ساختن شبکه ی حقایق در نظام آینده ی سیاسی افغانستان؛ سه ولایت جنوب شرقی ( پکتیا- پکتیکا و خوست ) را به این گروه تسلیم میدهد" (این نظرات و اقدامات امریکا وانگلیس، درحقیقت همان ضرب المثل از کمر خلیفه بخشیدن را تداعی میکند!!)

هرچند پس از نشر این گزارش، سخنگوی نیرو های امریکایی در افغانستان اظهار داشت که این ادعا حقیقت ندارد، ولی همینکه عین موضوع، پس از هرمدتی یکبار از منابع امریکایی، انگلیسی ویا پاکستانی بیرون داده میشود، به معنای این بود که به اصطلاح زیر کاسه نیم کاسه یی وجود داشته است.

## دید و وادید های مخفیانه با گروه طالبان

در اواخر سال 2012 میلادی بود که تحرکات مذاکره خواهی، سفرها و تماسگیریهای وسیع (آشکار و پنهان) میان نماینده گان دولت کابل، حزب اسلامی گلبدین، گروه طالبان و هیأت های خارجی در اسلام آباد، ریاض، انقره، پاریس، قطر، بن، لندن و عشق آباد به راه انداخته شد. سفرها و تماسهایی که متن و محتوای آنها هرگز برای مردم افغانستان افشا نگردید. از آن جمله، در ماه دسامبر 2012م از طریق رسانه ها اعلام گردید که " بنیاد پژوهشی استراتژیک فرانسه " در نظر دارد

نشستی را غرض گفت و گوی صلح و مذاکره میان نماینده گان دولت کابل و گروه های مسلح مخالف در پاریس برگزار نماید. متعاقباً معلوم شد که در این نشست که مدت سه روز دوام نمود، افرادی چون " بهیر " معاون گلبدین، یونس قانونی از ائتلاف ملی، احمد ضیا مسعود و فیض الله ذکی از جبهه ملی افغانستان، حنیف اتمر از حزب حق و عدالت، فرخنده زهرا نادری و نیلوفر ابراهیمی نماینده های بخش زنان پارلمان، ملاشهاب الدین دلاور و محمد نعیم وردک از سوی گروه طالبان، معصوم استانکزی دبیر شورای عالی صلح و حاجی دین محمد مشاور رییس جمهور اشتراک نموده بودند. هر چند جزئیات این نشست باز هم از انظار مردم افغانستان پنهان نگهداشته شد، اما برخی از رسانه ها نوشتند که نماینده گروه طالبان طی نشست پاریس گفته است که چون دولت حامد کرزی یک دولت دست نشانده است، بنابراین، نمیخواهند با چنین یک دولت دست نشانده به مذاکره بپردازند " ولی بقول رسانه ها، فرستاده گروه طالبان با هیأت های احزاب و جبهات مخالف دولت کرزی و همچنان با نماینده حزب اسلامی برخورد صمیمانه یی داشته است. بعضی از رسانه ها در آن شب و روز نوشتند گروه طالبان که خود، بدترین نوع دست نشانده گی و وابسته گی به استخبارات ارتش پاکستان و دیگران را به نمایش گذارده اند، حق ندارند دولت افغانستان را دست نشانده خطاب کنند. این نکته نیز گفتنی است که قبل از این نشست، همین " بنیاد استراتژیک فرانسه " دو نشست خصوصی و مخفی دیگر را نیز در ماه نوامبر سال 2011م و ماه جون سال 2012 میلادی در پاریس میزبانی نموده بود. در همین شب و روزیکه این سطور رقم زده میشوند، فعالیتهای پشت پرده منابع و مقام های خارجی و نیز، جانب دولت حامد کرزی بخاطر کشانیدن گروه مسلح طالبان بالای میز مذاکره با شدت ادامه دارد.

حذف اسمای رهبران گروه مذکور از فهرست سیاه سازمان ملل، گشایش دفتر و دیوان برای آنها در کشور های خارجی و رهایی تعداد زیادی از زندانیان آنها از زندان های افغانستان و زندان گوانتانامو و جلوگیری از محکومیت تروریسم و مداخلات مقام های پاکستانی در امور افغانستان از زمره همین تلاشها و فعالیتها به حساب میرفت. این فعالیتها در حالی استمرار می یافت که جانب طالبان از هیچ نوع اقدام خونین تروریستی در نقاط مختلف کشور دریغ نمیکردند.

حامد کرزی، به سلسله تلاشهای سیاسی - تبلیغاتی وسیع پیرامون مذاکره و معامله با گروه طالبان، علاوه از کرنش و مدارای آشکار با این گروه و حتا رهاسازی جوقه جوقه از زندانیان آنها از محابس افغانستان، به کرات از سازمان ملل تقاضا بعمل آورد تا اسمای آنده از سران و سرکرده گان گروه طالبان که در لیست سیاه آن سازمان درج گردیده بود، حذف نماید و " شورای عالی صلح" به ریاست برهان الدین ربانی (قبل از آنکه در کابل ترور شود)، نیز با پیروی از رییس جمهور، چنین تقاضا ها را تکرار کرد. چنانکه سازمان ملل که شدیداً تحت تأثیر ابر قدرت امریکا میباشد، به اثر لزوم دید مقام های آن کشور، اسمای یکتعداد از تروریست های شناخته شده طالبی را طی چند مرتبه از لیست سیاه خویش حذف نمود. باساس گزارش های ماه جولای 2011م، اسم افراد آتی از لیست سیاه سازمان ملل حذف گردید:

محمد موسی هوتک معین وزارت پلان امارت طالبان

عبدالحکیم معین وزارت سرحدات امارت طالبان

---

سعید الرحمن

فقیر محمد

ارسلا رحمانی

حبیب اللہ فوزی

رفیع اللہ

محمد ربانی

محمد صدیق آخندزادہ

رحیم اللہ زرمتمی

عبدالغفور

سید شمس اللہ کمال زادہ

عالم الدین اسیر

محمد حسن

محمد داوود

سید شمس اللہ

طیب آغا

---

این اقدام حکومت افغانستان، سازمان ملل و "جامعه جهانی" در حالی صورت می‌گرفت که گروه طالبان در هر شب و روز، با مین‌گزاریه‌ها، حملات باصقین، اختطاف‌ها، عملیات انتحاری، اعدام‌ها، سربریدن‌ها و ترورهای سازمان یافته و دهشتناک، دود از دمار مردم افغانستان میکشیدند (وهنوز هم میکشند). چنانکه "پیام آفتاب" به نقل از منابع مطلع در ماه جوزای سال 1392 خورشیدی نوشت که "افزایش حملات انتحاری، انفجارهای مین کنار جاده، جنگ‌های فرسایشی و ... بیشتر از پیش جان غیر نظامیان را بازستانده و تنها طی دو هفته گذشته، نزدیک به دوصد کشته و زخمی در ولایت‌های مختلف این کشور برجا گذاشت... حمله به دفاتر صلیب سرخ بین المللی، دفتر سازمان مهاجرت جهانی و غیره چشم انداز زنده گی را برای مردم سیاه تر ساخته و فعالیت این سازمانها را نیز با چالش و موانع رو به رو نموده است."

سلسله این رها کردنها تا آنجا بالا گرفت که سفارت امریکا در کابل، طی نامه رسمی خویش عنوانی مقام‌های واشنگتن، اطلاعاتی را در مورد رها سازی تروریستها توسط حامد کرزی تهیه کرد که اینک، ترجمه بخشهایی از نامه متذکره را در اینجا درج مینمایم: "کرزی {رییس جمهور} و محمد اسحاق الکو {لوی سارنوال یا دادستان کل}، افراد توقیف شده خطرناک را بدون آنکه به محکمه حاضر ساخته شوند، رها میکنند تا دو باره به میدان‌های جنگ بروند... در سال 2007 م تنها یک نفر رها شد، اما در سال 2008، به تعداد یکصد و چهار نفر بدون محاکمه آزاد شدند، در سال 2009، دوازده نفر و در بین ماه‌های اپریل و جون همین سال، بیست و سه تن و در ماه جولای، ده نفر بدون محاکمه از



سوی کرزی رها شدند... کرزی پنج تن افراد پولیسی را که به جرم انتقال یکصد و بیست و چهار کیلو گرام هیرویین با استفاده از موتر نیروی امنیتی، دستگیر شده بودند، رها کرد... مقدار بیست و شش کیلو گرام هیرویین از داخل موتر کنل جاوید رییس بخش پولیس شاهره بدخشان بدست آمد، اما کرزی فرماتی را مبنی به رهایی او از زندان پل چارکی {پلچرخی} امضا کرده است... کرزی در نظر دارد اسماعیل صافی را نیز که محکوم به نزده سال حبس شده، از زندان پل چارکی آزاد سازد. اسماعیل در سال 2005 با مقدار کافی هیرویین و سلاح دستگیر شده بود... (232)

البته پس از آن، بخصوص در اواخر سال 2012 و اوایل سال 2013 میلادی، صدها تن از گروه طالبان توسط فرمان های حامد کرزی از زندان های افغانستان آزاد شدند که درجایش از آنها یاد خواهیم نمود. تمهید و تلاش سه جانبه (دولت افغانستان- پاکستان و انگلیس) مبنی بر مذاکره و مصالحه با گروه طالبان تا آنجا پیشرفت که حتی دفتر سازمان ملل در افغانستان (یوناما) اعلام نمود که " حاضر است با گروه طالبان داخل مذاکره و مفاهمه شود. (233)

---

حتا در شب و روزیکه دفتر دپلوماتیک گروه طالبان در قطر گشوده شد، دولت کرزی بخاطر آنکه از سوی ایالات متحده به حاشیه کشانده شده بود، آزرده و معترض گردید و در حالیکه مردم افغانستان از ناحیه گشایش دفتر و برافراشتن بیرق سفید طالبی شدیداً نگران و ناراحت بودند، باز هم قرار گزارش تاریخی بیستم ماه جون 2013م خبرگزاری بی بی سی، وزارت امور خارجه حامد کرزی از مقام های پاکستانی رسماً تقاضا بعمل آورد تا سران گروه طالبان را که روی

ملاحظات خاص در زندان آن کشور بودند، آزاد رسانه ها در اواخر ماه فبروری 2013م این موضوع را افشا نمودند که حامد کرزی نامه یی به گروه طالبان فرستاده و در آن تذکر داده که حاضراست دو پُست مهم ( وزارت عدلیه و دادگستری کُل ) کشور را به گروه مذکور بسپارد، اگر بالای میز مذاکره بنشینند. چنانکه به روز اول ماه مارچ سال 2013م، برنامه " طلوع نیوز " منتشره افغانستان با دو تن از کارشناسان سیاسی (آقایان جلال و مولانا فرید) در همین رابطه گفت و شنید مستقیم و مستند را به نشر رسانید که کارشناسان مذکور بگونه صریح و جدی از چنین تصامیم و اقدامات رییس جمهور افغانستان انتقاد میکردند.

**فهرست زندانیان آزاد شده طالبان به فرمان حامد کرزی**

وبسایت " شبکه اطلاع رسانی افغانستان " بتاريخ 30 ماه سرطان سال 1392 خورشیدی، فهرست چهارصد تن از زندانیان گروه طالبان راهر کدام آنها مرتکب قتل و جنایت و اختطاف و انفجار در داخل افغانستان شده و از طرف دولت حامد کرزی رها ساخته اند، قرار آتی به نشر رسانید :

از زندان قندهار به تعداد 164 نفر از زندان پکتیا 30 نفر

از زندان هلمند 76 نفر

---

از زندان زابل 41 نفر

از زندان میدان وردک 11 نفر

از زندان ننگرهار 12 نفر

---

ز زندان لوگر 27 نفر

از زندان خوست 41 نفر

از زندان پکتیا 14 نفر

از از زندان غزنی 15 نفر

زندان قندوز 9 نفر

از زندان کاپیسا 2 نفر

از زندان پروان 3 نفر

از زندان کابل 2 نفر

---

از زندان بغلان 4 نفر

از زندان کنر 5 نفر

از زندان لغمان 3 نفر

از زندان فراه 2 نفر

از زندان جوزجان 1 نفر

از زندان تخار 1 نفر

منبع مذکور علاوه کرد که به تعداد 49 نفر زندانی دیگر که از سوی محاکم به حبس های طویل المدت محکوم شده بودند، طی چندین شماره فرمان ...، مدت حبس شان تا یکسال الی دو سال تخفیف یافته و سرانجام، قبل از اینکه این دوره را نیز سپری کنند، براساس فرمان های متعدد دیگر از حبس رها شدند:

اتباع پاکستان 7 نفر ( فهرست اسمای زندانیان پاکستانی بصورت علیحده در صفحات آینده این اثر درج شده است )

از زندان کاپیسا 2 نفر

از زندان پکتیا 2 نفر

از زندان پکتیکا 6 نفر از زندان لوگر 3 نفر

---

از زندان فاریاب 1 نفر

---

از زندان کابل 8 نفر

از زندان ننگرهار 2 نفر

از زابل 1 نفر

نفر 2

از غور 2 نفر

از قندهار 3 نفر

از غزنی 2 نفر

از پروان 1 نفر

از کنر 1 نفر

از ارزگان 1 نفر

از پنجشیر 1 نفر

---

از لغمان 1 نفر از فراه

خبرگزاری " بُخدی " در ماه جولای 2013م از قولِ منابع مطلع ولایت غزنی نوشت که " حدود چهل زندانی طالب که قبلاً به فرمان رییس جمهور کرزی از

زندان این ولایت رها شده بودند، دو باره با جنگجویان گروه طالبان پیوسته اند... " زورآورزاهد قوماندان امنیه ولایت غزنی گفت که " اطلاعات دقیق و مؤثق در دست داریم که طالبان رها شده به فرمان حامد کرزی از زندان کوه باد غزنی، دو باره به صفوف طالبان مسلح پیوسته اند... در جمع چهل فرد رها شده، برخی قوماندانان خطرناک طالبان نیز شامل بودند. این قوماندانان، دو باره اسلحه گرفته و به فعالیتهای شورشگری پرداخته اند... " مردم افغانستان، منابع مطبوعاتی و نهاد مدنی و حتا برخی از منابع امنیتی داخل افغانستان، رهایی دستجمعی یا گروهی زندانیان طالب از زندان های افغانستان را نگران کننده و سوال برانگیز خوانده گفتند که " از میان بیش از پنجهزار زندانی در بگرام، تا کنون بیش از دوهزار و پنجصد تن آن آزاد شده اند... بسیاری از این افراد پس از رهایی از زندان، دو باره به جبهه جنگ علیه دولت باز گشته اند. " حتا معاون والی غزنی از رهایی طالبان زندانی انتقاد نموده گفت که بیشتر شورشیانی که به نا امنی ها در این ولایت دامن میزنند، کسانی هستند که از زندان ها آزاد شده اند. ... یکی از افراد طالبان از بگرام به اساس وساطت شورای عالی صلح رها شد. او در غزنی بازداشت شده بود. پس از رهایی از بگرام با وجود وساطتی که بزرگان و شورای صلح انجام داده بودند، او در جنگ با نیرو های خارجی درگیر شد. خارجی ها جنازه اش را در مقابل ما انداختند و پرسیدند که شما به کدام دلیل و به اساس کدام اسناد این ها را رها می کنید؟ " برخی دیگر از رسانه های داخلی افغانستان از قول مقام های پولیس ولایت هلمند نوشتند که " زندانیان طالب که از بگرام رها شده اند، در جنگ های هلمند و به خصوص ولسوالی سنگین دیده شده اند... "

منبع پولیس هلمند به رسانه ها گفت که " یکی از فرماندهان این گروه را دستگیر کرده اند که سابقه دو دوره حبس در زندان بگرام را داشته است ..."

جنرال جمعه گل همت فرمانده پولیس هلمند گفت که " جنگهای برخی از نقاط هلمند، توسط شماری از فرماندهان طالبان که از بند بگرام رها شده اند، صورت میگیرد... مولوی قریشی یکی از فرماندهان طالبان که توسط نیرو های نظامی دو بار زندانی شده بود، بعد از رهایی، مجدداً در ولسوالی مارجه بر علیه نیرو های امنیتی جنگیده است ... افزایش دامنه نا امنی ها در شمال هلمند، بخصوص ولسوالی سنگین، نوزاد و موسی قلعه توسط طالبان رها شده از زندان میباشد..."

کرزی در قسمت خوشبینی و خوشخدمتی نسبت به گروه طالبان و رهایی جنایتکاران از زندان های کشور راه افراط پیمود که مثلاً شخصی بنام " ملا ذاکر" یکی از رهبران پایه یی گروه طالبان را که از طرف نیروهای امریکایی دستگیر و به زندان گوانتانامو انتقال داده شده بود، بنام آنکه وی باید در داخل افغانستان محبوس باشد، در سال 2007م از مقام های امریکایی تحویل گرفت و فقط یکسال بعد از آن، او را آزاد نمود. همین ملا ذاکر، پس از رهایی از زندان، بلا وقفه و باز هم به گروه هم قماش خویش پیوست و مسوولیت حملات مسلحانه و خونین نظامی در مناطق جنوب و جنوب غرب افغانستان را بر عهده گرفت. عمل رها سازی ملا ذاکر از سوی حامد کرزی در حالی صورت گرفت که " ژورنال لانگ وار" با صراحت نوشت که " ذاکریکی از سر سخت ترین و متعهد ترین فرماندهان طالبان است ... او همچنان یکی از چندین رهبر ارشد طالبان است که

## ارتباط نزدیک با القاعده دارد..."

حامد کرزی رییس جمهور افغانستان مدتی را بر سر تحویلگیری زندان بزرگ بگرام از مقام های امریکایی، با آنها چانه زنی نمود و بالاخره زندان مذکور، در ماه سپتمبر سال 2012 میلادی با پنج هزار زندانی آن به دولت افغانستان سپرده شد و کرزی بدین گونه، فرصت آنرا یافت که بازهم زندانیان طالبی و سایر تروریست های اسیر را بنام آنکه " بیگناه " اند، جوقه جوقه آزاد سازد. خبر گزارى بی بی سی در اخیرمه دسامبر 2013م افشا نمود که دولت کابل، علاوه از آزاد سازی دوهزار زندانی بگرام، اخیراً فهرست ششصد و پنجاه بازداشتی دیگر را نیز ترتیب داده تا آنها را از زندان بگرام رها کند. متعاقباً، شخصی بنام " داد رس " رییس هیأت بررسی زندانیان، به رسانه ها گفت که جرم صد ها محبوس هنوز روشن نبوده و باید رها ساخته شوند. اما، ضمن اعتراضات گسترده عمومی، مقام های امریکای نیز در برابر چنین حاتم بخشی های کرزی اعتراض نموده گفتند " بخصوص رهایی هشتاد و پنج تن تروریست هایی که مسؤل کشتار تعداد زیادی از افغانها و امریکایی ها هستند، رابطه فی مابین افغانستان و امریکا را متأثر خواهد ساخت. " و کرزی هم ظاهراً رهایی بعضی از آنها را به تعویق افکند. اما مدتی بعد، باسناد گزارش مؤرخ بیست ماه مارچ 2014 م خبر گزارى بی بی سی، بازهم به تعداد پنجاه و پنج نفر طالب محبوس را از زندان بگرام رها نمودند. شخصی بنام عبدالشکور داد رس که در رأس کمیسیون بررسی دوسیه های زندانیان تعیین شده بود، اظهار داشت که " علاوه بر این پنجاه و پنج نفر اخیر، کمیسیون، پرونده هشتصد و پنجاه زندانی را بررسی {رها} کرده است .



شبکه اطلاع رسانی افغانستان بتاريخ بیست و پنجم ماه ثور سال 1393 خورشیدی، از قول منابع امنیتی افغان نوشت که: " مقامات امنیتی کشور در چهارچوب عفو عمومی اعلام شده توسط حامد کرزی، گروهی متشکل از 536 زندانی را از زندانهای ولایات کابل، هلمند و سمنگان آزاد کردند. . . این عفو عمومی برای زندانیان همه زندانهای افغانستان به غیر از زندان بگرام اعلام شده است که در مجموع طی ده روز گذشته، 876 نفر آزاد شدند. "

شبکه اطلاع رسانی افزود که: " در کمتر از دو سال اخیر، بیش از 700 طالب که در پیوند به حمله های انتحاری و دیگر رویداد های هراس افگانه بازداشت شده بودند، به خواست شورای عالی صلح و بر بنیاد فرمان های جداگانه رییس جمهور کرزی آزاد گردیده اند که چندین پاکستانی نیز مشمول این افراد میباشند... "

باید متذکر شد که اعضای گروه عدالت انتقالی افغانستان که موازی با تقاضا های عامه، به روز بیست و پنجم ماه جنوری 2014م در یک کنفرانس خبری در کابل با صراحت اظهار داشتند که " حکومت افغانستان باید از آزاد سازی زندانیان بگرام خود داری کند " و افزودند که " زندانیانی که دست شان به خون مردم آلوده است و حقوق بشر را نقض کرده اند، نباید از زندان رها شوند. " اما حامد کرزی بالمقابل، طی سخنان رسمی گفت " بگرام {زندان بگرام}، کارخانه طالب سازی است. بگرام جایی است که مردم بیگناه آنجا آورده میشوند و به آنها علیه خاک خود و دولت خود، از راه توهین، شکنجه و آزار، نفرت سپرده میشود، از آنجا علیه کشور خود بسیج میشوند . . . "

این سخنانِ کرزی، در واقع به سوّد سیاست و دیپلماسی حکومت پاکستان تمام میشود، زیرا مقام های پاکستانی در حلقاتِ دیپلماتیک میگفتند که طالب در داخل افغانستان تولید میشود؛ نه در خاک پاکستان، چنانکه این موضوع را شخص رییس جمهور افغانستان اعتراف نموده است .

تداومِ آزاد سازی عناصر طالبی و حتا فرماندهانِ قهارِ آنها که در عملیاتِ خونینِ تروریستی علیه جان و مال مردم افغانستان دست داشتند، تا آنجا انزجار آور گردید که علاوه از اعتراضاتِ عمومی، حتا برخی از مقام ها و فرماندهانِ امنیتی کشور در کابل و ولایات ، دست به یکنوع تمرد از دستوراتِ رییس جمهور یازیدند. مثلاً، جنرال عبدالرزاق فرمانده امنیتی ولایت قندهار، بدون آنکه از مقام های مافوق دستوری داشته باشد، به سربازانِ تحتِ امر خودش گفت که تروریستهای طالبی را در میدان های جنگ دستگیر نکنید، بلکه آنها را جابجا بکشید. این موضعگیری وی موجب گردید که حامد کرزی او را به کابل بخواهد. و اما، اقدامِ جنرالِ مذکور موردِ استقبالِ همه گانی قرار گرفت. همچنان، سخنگوی اداره امنیتی ولایت قندوز برای رسانه ها افشا نمود که " شورای صلح این ولایت قصد دارد فردی به نام قاری حلیم یکی از فرماندهانِ نظامی سرشناسِ طالبان را که توسطِ پولیس دستگیر شده است، رها سازد." همین منبع اظهار داشت که " قاری حلیم، بیش از پنجصد طالب مسلح را رهبری میکرد... شورای صلح قندوز به همکاری برخی حلقاتِ مشخص در داخلِ حکومت تلاش دارند تا او را از زندان رها سازند، در حالیکه برای اثباتِ جرمِ این فرد، اسناد کافی نزد شان موجود است

" ... ( ادامه دارد )

---

